

## تحلیل حقوقی نفقه‌ی زوجه‌ی دائم موضوع ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی

محمد هاشم صمدی اهری\*

### چکیده

نفقه زوجه در ازدواج دائم در حقوق ایران و اسلام بر عهده‌ی شوهر است. در حقوق اسلام که احکام آن الهام بخش در تنظیم اصول و ضوابط بسیاری از موضوعات یا تقریباً بیشتر موضوعات و مسائل قانون مدنی مخصوصاً در باب احکام نکاح است، تامین هزینه‌ی خانواده از جمله کلیه‌ی مخارج شخصی زوجه‌ی دائم بر عهده‌ی شوهر است و زوجه در این زمینه هیچگونه تعهد یا مسئولیتی نخواهد داشت هرچند زوجه از ثروت فراوانی برخوردار باشد.

بنابراین شوهر حق ندارد از تامین هزینه‌های شخصی زن به علت دارا بودن و بی‌نیاز بودن زن خودداری کند. این حکم در حقوق ایران بدون تردید اعمال می‌گردد.

به عبارت دیگر تکلیف شوهر در پرداخت نفقه‌ی زوجه‌ی دائم چه در حقوق اسلام و چه در سیستم حقوقی ایران جزء احکام مسلم و تخلف ناپذیر است و در حقوق اسلام مستندات این حکم آیات قرآن و اخبار و روایات موثق واصله در این زمینه است. بنابراین حکم شارع اسلام که مبنای قواعد قانونی مدنی ایران در باب نفقه است با شرط خلاف آن قابل تغییر نیست و اگر بر زوجه‌ی دائم در هنگام انعقاد عقد ازدواج یا قبل و بعد از ازدواج شرط شود که نفقه و تامین هزینه شخصی زن در صورت ثروتمند و بی‌نیاز بودن از جهت مالی بر عهده خود زوجه باشد چنین شرطی به علت مخالفت با حکم مسلم شرعی و در نتیجه به علت خلاف ضابطه آمده در سیستم حقوقی ایران باطل و بلا اثر خواهد بود و زن به شرط عدم نشوز و انجام وظایف زناشویی بدون عذر موجه استحقاق دریافت نفقه و هزینه زندگی شخصی خود را از شوهر خواهد داشت.

---

\* مدرس دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

تحلیل حقوقی نفقه زوجه‌ی دائم موضوع ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی ..... ۱۳۴

در مقاله‌ی حاضر و در تحلیل حقوقی ماده‌ی ۱۱۰۷ قانونی مدنی به بررسی شرایط تعلق نفقه‌ی زوجه‌ی دائم ماهیت نفقه‌ی زوجه و خصوصیات نفقه‌ی زوجه و مصادیق و میزان نفقه پرداخته شده است و در این بررسی از نظر فقها، اساتید حقوق و نظرات قضایی و نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه‌ی قضائیه و سایر منابع و مأخذ استفاده شده است.

**واژه‌های کلیدی:** نفقه، زوجه‌ی دائم، شرایط نفقه، تمکین، طلاق، ماهیت نفقه، زن حامل، ضمانت اجرا.

## فرضیه

۱ - نفقه‌ی زوجه دائم تکلیف شوهر است ۲- نشوز مانع استحقاق زن نسبت به نفقه است ۳- اثبات زوجیت بر عهده زوجه است ۴- اثبات نشوز مانع نفقه است. ۵- عجز شوهر مانع از تکلیف زوج نسبت به نفقه نیست

## مقدمه

نفقه‌ی زوج دائم امتیازی مادی و مالی است که به مجرد وقوع نکاح دائم به حکم قانون و شرع به منظور رفع نیاز و احتیاجات زندگی برای زوجه ایجاد می‌شود؛ تکلیفی است بر عهده‌ی شوهر که به شرط تمکین زوجه الزام آور است و معیار تعیین میزان و مقدار نفقه با توجه به احتیاج زن جهت ادامه زندگی، عرف جامعه است و در قانون میزان خاص مشخص نشده است ولی طبق حکم کلی در قانون به عنوان یک تکلیف برای شوهر در نظر گرفته شده است و در برابر تمکین زوجه این تکلیف مستقر خواهد شد و اگر زوجه بدون موانع و عذر قانونی از انجام وظایف زناشویی امتناع کند این تکلیف از عهده شوهر ساقط خواهد شد در صورت امتناع شوهر از انجام این تکلیف قانونی از طریق ضمانت اجرای حقیقی و کیفری زوجه مورد حمایت قرار می‌گیرد و در صورت عجز شوهر از انجام این تعهد و یا امتناع از این تکلیف و عدم امکان الزام شوهر، زوجه حق دارد به دادگاه برای اجبار شوهر به طلاق مراجعه و اقامه دعوی کند و دادگاه تحت عنوان عسر و حرج حکم به طلاق زوجه را صادر خواهد کرد که چنین طلاق‌ی بنا بر قول بسیاری از حقوق دانان طلاق باین است.

## تحلیل حقوقی ماده‌ی ۱۱۰۷ قانون مدنی

ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی ایران راجع است به مفهوم نفقه و مصادیق آن و هم چنین مربوط است به ارکان و میزان نفقه. ماده ۱۱۰۷ ق.م سابق چنین مقرر داشته بود: «نفقه

تحلیل حقوقی نفقه زوجیه دایم موضوع ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی ..... ۱۳۶

عبارتست از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم، در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضای.»

ماده ای که اشاره شد مربوط به نفقه زوجیه دائم است که تکلیف قانونی و پرداخت آن به عهده شوهر است.

قانون گذار از نفقه تعریفی به عمل نیاورده است و فقط به نام بردن بعضی از افراد و مصادیق آن پرداخته است شاید قانون گذار به علت بداهت از تعریف نفقه صرف نظر کرده باشد ولی به نظر می رسد شایسته است که از نفقه تعریف قانونی به عمل آید و مصادیق و میزان آن نیز مشخص گردد.

### بند یکم - تعریف نفقه<sup>۱</sup>:

نفقه در لغت به معنای هزینه و مخارج یا صرف و مصارف و خرج آمده است<sup>۲</sup>. از نظر دستوری نفقه اسم است و جمع آن نفقات یا نفاق است و مصدر آن انفاق و از باب افعال است و در زبان عربی به ثلاثی مجرد نیامده و به صیغه ثلاثی مزید فیه آمده است. (انفق ینفق، انفاق)

انفاق به معنی خرج کردن، هزینه کردن، صرف کردن مال در راه تأمین مایحتاج زندگی دیگری است و به معنای کسر و کم شدن مال و پول و از بین رفتن مال نیز استعمال شده است<sup>۳</sup>. هم چنین به معنای خرج هر روزه، هزینه و توسعه نیز آمده است<sup>۴</sup>.

### بند دوم - اصطلاح حقوقی نفقه:

نفقه در اصطلاح حقوقی از معنای لغوی آن چندان دور نیست و آن عبارتست از: «هزینه ی ضروری متعارف زندگی افراد واجب النفقه است به موجب قانون» و انفاق به

## 1. PENSION

۲. معین، دکتر محمد، فرهنگ فارسی، کلمه نفقه، دهخدا علی اکبر، لغت نامه، کلمه نفقه .

۳. خدیری لبنانی، سعید، اقرب الموارد، چاپ بیروت، بی تا

۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ص ۶۷۳

تحلیل حقوقی نفقه زوجهی دایم موضوع ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی ..... ۱۳۷

معنای دادن و پرداخت کردن مایحتاج ضروری افرادی است که طبق قانون به عهده ی دیگری است. این تعریف ریشه در تعریف فقها از نفقه دارد که از قرآن کریم اقتباس گردیده است<sup>۱</sup>.

انفاق یکی از تعهدات و الزامات قانونی است که تحت شرایطی به عهده کسی قرار می گیرد و متعهد له این تعهد ممکن است زوجه ی دائمی یا اقارب نسبی خاص باشند که عبارتند از اقارب نسبی در خط مستقیم صعودی و نزولی یعنی عبارت از پدر و مادر و اجداد و جدات است هر قدر بالا رود و اولاد و اولاد اولاد هر قدر پایین رود که این قرابت و نسبت ناشی از رابطه خونی و توالد و تناسل یکی از دیگری به طور مستقیم یا غیر مستقیم است.

در خصوص نفقه ی زوجه ی دائمی که به عهده ی شوهر است موضوعاتی اساسی قابل بحث می باشد که به آنها می پردازیم:

#### ۱. شرایط تعلق نفقه به زوجه ی دائمی

مطابق ماده ی ۱۱۰۶ ق.م در عقد دائم نفقه ی زوجه به عهده ی شوهر است به شرط آن که از شوهر خود تمکین نماید چنانکه ماده ی ۱۱۰۸ ق.م مقرر می دارد: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود.»

با این ترتیب تمکین زن شرط استحقاق نفقه است و عدم تمکین زن مانعی برای تحقق نفقه است. در استحقاق و تعلق نفقه ی زوجیت یا علقه ی زوجیت دائمی سبب تکلیف الزام و التزام شوهر به دادن نفقه است و تمکین شرط تحقق نفقه است و در صورتی که شوهر از انجام تکلیف خودداری کرده و از دادن نفقه استنکاف و زوجه اقدام به اقامه دعوی مبنی بر الزام شوهر به دادن نفقه و یا مطالبه نفقه کند منحصراً باید دلایل زوجیت را به دادگاه ارائه نماید. لازم نیست تمکین را در دادگاه اثبات کند و در

۱. آیه ۷ سوره طلاق و آیات ۱۹۶، ۲۱۶ و ۲۶۷ سوره بقره

واقع تمکین زن مبتنی بر غلبه و ظاهر است و خلاف آن یا نشوز را شوهر باید در دادگاه به اثبات برساند تا دعوی خواهان رد شود و اگر شوهر نیز مدعی پرداخت نفقه باشد باید این ادعا را ثابت کند مگر این که ظاهر زندگی زناشویی و قراین به سود او باشد و اماره پرداخت نفقه حاکم شود.

تمکین به معنای عام عبارت است از زندگی با شوهر و همکاری در تشییع مبنای خانواده و رفتار توأم با مودت و تمکین خاص به معنای امکان برقراری رابطه جنسی بدون عذر موجه به طور متعارف است مگر در مواردی که زن عذر موجه جهت عدم آن را داشته باشد.

نفقه ی مطلقه ی رجعیه در زمان عده بر عهده شوهر است زیرا مطلقه ی رجعیه در حکم زوجه است مگر آن که طلاق در حال نشوز واقع شده باشد ولی در عده ی فسخ نکاح یا طلاق اگر باین باشد، زن حق نفقه ندارد مگر این که زن از شوهر خود حامل باشد که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت. طبق ماده ۱۱۰۹ ق.م. زن غیر حامل در عده ی وفات نیز طبق ماده ی ۱۱۱۰ ق.م حق نفقه ندارد و حال اگر زن شوهر مرده حامل باشد این پرسش مطرح می شود که آیا نفقه به وی تا وضع حمل تعلق می گیرد یا خیر در پاسخ به این پرسش حقوقدانان پاسخ متفاوتی را ارائه داده اند.

عده ای با توجه به اطلاق ماده ی ۱۱۱۰ ق.م و قول مشهور فقهاء امامیه معتقدند تفاوتی بین زن حامل و غیر حامل نیست<sup>۱</sup>. عده ای دیگر بر این عقیده اند که زن حامل شوهر مرده باید تا وضع حمل از ما ترک زوج نفقه وی پرداخت شود<sup>۲</sup>.

ولی با توجه به فلسفه تعلق نفقه به زن حامل در عده طلاق باین و فسخ نکاح، عدم استحقاق نفقه در ایام عده وفات دور از عدالت بوده و محرومیت وی از دریافت نفقه ایام عده وفات قابل توجیه منطقی نبوده به همین دلیل برخی از حقوق دانان با استفاده از ملاک ماده ی ۱۱۰۹ ق.م، حکم ماده ی ۱۱۱۰ ق.م را ناظر به زن غیر آبستن می

۱. کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق خانواده نشر بلد، سال ۱۳۷۵، ج ۱، ش ۱۱۵

۲. امامی، دکتر سید حسن، حقوق مدنی، چاپ اسلامی، ج ۴، ص ۴۴۱

تحلیل حقوقی نفقه زوجهی دایم موضوع ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی ..... ۱۳۹

دانستند و معتقد بودند که زن آبستن در ایام عده ی وفات استحقاق دریافت نفقه از ماترک شوهر متوفای خود را دارد.<sup>۱</sup>

به منظور حمایت از زن حامل و برخوردارای او از نفقه در ایام عده وفات طرحی به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردید ولی طرح بدوی پذیرفته نشد و ماده ی ۱۱۱۰ ق.م اصلاحی به شرح زیر به تصویب مجلس رسید.

(در ایام عده ی وفات مخارج زندگی زوجه عندالمطالبه از اموال اقاربی که پرداخت نفقه به عهده ی آنان است-در صورت عدم پرداخت - تامین می گردد.)

در خصوص ماده ی اصلاحی مذکور نکات زیر قابل ذکر است:

۱- ماده ی ۱۱۱۰ ق.م اصلاحی مبهم است و باعث سردرگمی و اختلاف نظر قضات و حقوقدانان شده است.

۲- از ظاهر ماده ی اصلاحی چنین برمی آید که زن حامل در عده ی وفات می تواند به اقارب نسبی خود که طبق قواعد عمومی پرداخت نفقه به عهده آنان است رجوع و در صورت اقتضاء از اموال آنان نفقه خود را وصول کند.

۳- صرف نظر از ابهام موجود در ماده ی اصلاحی این ماده با توجه به ظاهر آن قاعده ی جدیدی را ایجاد نمود زیرا مقررات نفقه ی اقارب و تکلیف انفاق بین اقارب در خط مستقیم قبلاً در مواد ۱۱۹۶ به بعد قانون مدنی پیش بینی شده و از این لحاظ تفاوتی بین زن حامل در عده وفات و غیر آن نیست. بنابراین ثمره ای بر اصلاح ماده ۱۱۱۰ ق.م مترتب نمی گردد.<sup>۲</sup>

با توجه به مراتب مذکور اصولاً نفقه ی زوجه دائمی در حال ادامه ی زوجیت به شرط تمکین قانوناً به عهده ی شوهر است و در موارد استثنایی زیر با این که نفقه به

۱. همان

۲. صفایی، دکتر سید حسین؛ امامی، دکتر اسدالله؛ حقوق خانواده، ج ۱، چاپ دانشگاه تهران، چاپ دهم، سال ۱۳۸۵، ش ۱۳۷ مکرر، ص ۳۲۰ و ۳۲۱

تحلیل حقوقی نفقه زوجه‌ی دایم موضوع ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی ..... ۱۴۰

زوجه دائمی تعلق می‌گیرد، تمکین شرط استحقاق نیست که به طور خلاصه موارد استثنایی آن به این شرح است.

۱. استفاده‌ی زوجه از حق حبس ماده‌ی ۱۰۸۵ ق.م.مقرر می‌دارد: (زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر این که مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.)

۲. ترک منزل شوهر یعنی ترک خانواده و زندگی مشترک در صورت وجود خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن در بودن در منزل شوهر. ماده‌ی ۱۱۱۵ ق.م. در این زمینه چنین مقرر داشته است:

(اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد، زن می‌تواند مسکن علی‌حده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه‌ی ضرر مزبور، محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است، نفقه‌ی او بر عهده‌ی شوهر خواهد بود.)

۳- بعضی از حقوقدانان بر این عقیده‌اند اگر محلی که شوهر برگزیده است با شوون زن و زندگی خانوادگی متناسب نباشد و عرف آن را مناسب نداند مانند سکونت مشترک با زن دیگر شوهر، زن می‌تواند از رفتن به آن خانه امتناع کند و در این صورت نیز زن ناشزه نیست ولو از تمکین امتناع نماید.<sup>۱</sup>

۴. زن مطلقه به طلاق رجعی در زمان عده‌ی طلاق، مستحق نفقه است و تمکین شرط استحقاق نفقه ایشان نیست.

۵. مطلقه به طلاق باین در صورتی که زن آبستن باشد، تا وضع حمل استحقاق نفقه خواهد داشت.

۶. در صورت غایب مفقودالاثربودن شوهر، زن می‌تواند برای مطالبه نفقه خود به دادگاه خانواده مراجعه نماید که در این صورت تمکین موضوعاً منتفی است و نشوز مفهومی نخواهد داشت. «ماده‌ی ۱۲۰۵ اصلاحی، مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴»

۱. کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق خانواده، ج ۱، ش ۱۲۷



### بند سوم - ماهیت نفقه‌ی زوجه:

مقصود از ماهیت یا طبیعت حق زن بر نفقه چیست؟

منظور این است که روشن شود حق زن بر نفقه چه نوع حقی است؟ در این مقال لازم است یاد آوری شود حق زن در زمینه‌ی نفقه‌ی حقی مادی و مالی است و شوهر در مقابل زوجه‌ی دائمی خود به حکم قانون متعهد است آن چه را که لازمه زندگی زوجه است از جهت مالی تامین کند ولی بحث دیگری نیز در این زمینه مطرح است که روشن کنیم آنچه به عنوان نفقه شوهر در اختیار زوجه خود قرار می‌دهد و در واقع به تعهد قانونی خود عمل می‌کند، زن نسبت به این افراد و مصادیق نفقه چه حقی پیدا می‌کند.

به عبارت دیگر آیا زن حق مالکیت نسبت به مصادیق نفقه - که در اختیار وی قرار گرفته است - دارد و یا این که منحصرأجازه‌ی انتفاع از آن اموال دارد و زن می‌تواند از اموال و اشیایی که به عنوان نفقه از طرف شوهر برای زوجه در نظر گرفته شده است فقط بهره‌بردار و نسبت به آن حق دیگری ندارد و حق مالکیت برای وی ایجاد نخواهد شد.

روشن شدن ماهیت حق زن بر نفقه در آثار حقوقی آن تاثیر خواهد داشت یعنی اگر زن مالک چیزی باشد که به عنوان نفقه دریافت کرده است می‌تواند در آن حق تصرفات مالکانه داشته باشد و هرگونه تصرفی که مایل باشد در ملک خود بنماید به طور مثال آن را بفروشد یا به دیگری هدیه کند ولی اگر اذن در انتفاع به او داده شده باشد بدون اجازه‌ی شوهر - که مالک مال است - حق این گونه تصرفات را نخواهد داشت.

در قانون مدنی ایران حکم صریحی در پاسخ به این مساله نمی‌توان یافت. بنابراین برای یافتن پاسخ و تشخیص طبیعت حق زن بر نفقه باید به اراده‌ی شوهر یا حکم قانون‌گذار یا عرف یا عادت در مقابل تفسیر و توصیف رابطه مزبور متوسل شد.

می‌توان گفت قانون‌گذار عرف جامعه را در نظر داشته و آن را به صورت حکم یا قاعده حقوقی به شوهر تحمیل کرده است و چون حق نفقه یا حکم نفقه به عنوان یک تکلیف اجتماعی از حقوق اسلام برگرفته شده و در اسلام نیز می‌توان گفت عرف و عادت مردم

مورد توجه قرار گرفته است. به عبارتی دیگر این حکم یک حکم امضایی بوده است. بنابراین در این زمینه با کمک عرف و آداب و رسوم جامعه می توان به این نتیجه و نظریه رسید که بین اموال و اشیایی که به عنوان نفقه در اختیار زوجه قرار داده می شود تفاوت وجود دارد. در واقع طبیعت این اشیاء نیز برای رسیدن به نظر منطقی به ما کمک خواهد کرد و باید بین اشیاء و اموال مصرف شدنی که با انتفاع از آنها عین مال و شیء از بین می رود و اموال دیگر فرق گذاشت که می توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد:

دسته ی اول: اموال مصرف شدنی، مانند خوردنی ها، و آشامیدنی ها، عطر و صابون، لوازم آرایشی و امثال آن است که با توجه به عرف و عادت و با توجه به اراده ی شوهر و نظر حقوقدانان و فقهای امامیه می توان زن را مالک این گونه اشیاء تلقی کرد و چنان چه زن صرفه جویی کند و قسمتی از آن را نگاه داشته باشد، به شرط این که از صرفه جویی لطمه ای به حیات و سلامت زوجه و زندگی مشترک زناشویی وارد نگردد، زوجه می تواند هر گونه تصرفی نظیر هبه به دیگران و امثال آن بنماید.

دسته ی دوم و سوم اموالی هستند که با انتفاع از آن ها عین همراه با مصرف از بین نمی رود هرچند با توجه به نوع این اموال کم و بیش مستهلک می گردند مانند مسکن، اثاث البیت نظیر فرش، یخچال، ظروف مختلف و لباس و کفش و امثال آن، حکم واحد ندارند و عرف نیز آنها را یکسان نمی داند به طور مثال مسکن و اثاث البیت با کفش و لباس تفاوت دارند به این معنی که منزل و وسایل آن مثل فرش و مبل و ماشین لباس شویی یا ظرف شویی و اجاق گاز که شوهر در اختیار زوجه قرار می دهد طبق عرف و اراده شوهر زن فقط اذن در انتفاع از آنها را دارد و زن مالک آنها نیست. و البته مقصود در اصطلاح فقها، امتناع از این وسایل است نه تملیک آن به زن. بنابراین زن حق فروش یا هبه آنها را به دیگران ندارد و نمی تواند از نظر حقوقی و قانونی شوهر را از فروش یا انتقال و تغییر و تبدیل آنها منع کند.

دسته ی سوم: لباس و کفش و امثال آن که در بین اشیاء نوع اول و نوع دوم قرار دارد و در زمینه ماهیت این گونه اشیاء بین حقوقدانان و فقها اختلاف نظر وجود دارد.

بعضی عقیده دارند شوهر این گونه اموال را برای انتفاع در اختیار زن می گذارد و زن مالک آنها نمی شود. زیرا شوهر قصد تملیک آنها را به زن نداشته است و در حالت تردید اصل عدم تملک زن نسبت به آنها است و با اذن در انتفاع، نیاز زن رفع خواهد شد.

البته در وضع کنونی و در حال حاضر با توجه به عرف و عادت و آداب و رسوم جامعه‌ی ایرانی به نظر می رسد در اختیار قرار گرفتن این گونه اموال به ظاهر تملیک آنها به زوجه است و اراده‌ی باطنی شوهر بر حسب متعارف این است که شوهر می خواهد این اشیاء را - ولو بسیار گران قیمت باشد مثل پالتو از پوست حیوانات وحشی نظیر پوست خز و غیره - به زوجه‌ی خود تملیک کند نه آن که قصد باطنی وی این باشد که مالکیت آنها را برای خود حفظ کند و منحصرأ اذن انتفاع را به زن خود بدهد. مگر این که شوهر صریحاً، قصد و اراده خود را بر عدم تملیک اعلام یا قرائنی حاکی از عدم تملیک یا عرف حاکم، و یا تفسیر موضوع حکایت از عدم تملیک داشته باشد.

لازم است توضیح داده شود که با فرض تملیک لباس و کفش به زن مالکیت مشارالیها نسبت به اینگونه اشیاء خصوصیتی دارد و مانند سایر حق مالکیت مطلق نیست به عبارت دیگر زوجه نمی تواند هر نوع تصرفی در مالکیت مزبور بنماید. بلکه باید از این اشیاء به طور متعارف استفاده کند و حق ندارد به طور غیر متعارف و به زیان شوهر در آن تصرف نماید. به طور مثال زن نمی تواند به بهانه‌ی این که از لباس یا کفشی در یک مهمانی یا در مراسمی استفاده کرده و دیگر نمی تواند از آنها در محافل استفاده کند از شوهر بخواهد لباس یا کفش های دیگری برای او به عنوان نفقه تهیه کند و تکلیف شوهر تلقی گردد یا این که زوجه نمی تواند لباس یا کفش سالم و قابل استفاده را به عنوان مالک به دیگری واگذار یا هبه کند یا آنها را از بین ببرد که در صورت سوء استفاده از این حق طبق مستنبط از ماده‌ی ۱۳۲ قانون مدنی و قواعد مسئولیت مدنی مسئولیت خواهد داشت.<sup>۱</sup>

#### بند چهارم - مصادیق نفقه‌ی زوجه:

۱. صفائی، دکتر سید حسین؛ امامی، دکتر اسداله، مختصر حقوق خانواده، ش ۱۳۵

تحلیل حقوقی نفقه زوجهی دایم موضوع ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی ..... ۱۴۴

طبق ماده ۱۱۰۷ ق.م سابق ایران و ماده ۹ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۴ مسکن، البسه، غذا و اثاث البیت در حد متعارف که مناسب با وضعیت زن باشد، و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه ی مرض یا نقصان اعضای از مصادیق نفقه بوده است.

مساله ی قابل توجه این است که آیا آن چه در مواد مذکور نام برده شده، جنبه ی حصری، یا جنبه تمثیلی دارد؟

با توجه به متن و نحوه ی بیان مواد اشاره شده فقط مسکن، پوشاک، خوراک، و اثاث خانه و خدمتگزار در صورت نیاز جزء نفقه زوجه دائمی بوده و از سایر هزینه ها نظیر هزینه دارو و درمان آرایش و شستشو، سخنی به میان نیامده بود و با این ترتیب ظاهراً موارد اشاره شده جنبه ی حصری داشته است که نظر عده ای از فقهای امامیه نیز همین بوده است. حتی برخی تا این حد پیش رفته اند که هزینه ی زایمان و معالجات ضروری را نیز جزء نفقه ندانسته اند.

ولی قبول این نظر بر خلاف عرف جامعه و مصلحت خانواده می نمود و با ذوق سلیم نیز سازگار نبود. البته بعضی از فقهای امامیه از جمله شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر الکلام<sup>۱</sup> و شهید ثانی صاحب مسالک الافهام، معتقد بودند که هر چیزی که بر حسب متعارف مورد احتیاج زن باشد جزء نفقه بوده و تهیه ی آن ها تکلیف شوهر است.<sup>۲</sup>

صاحب جواهر بعد از انتقاد از کسانی که نفقه را منحصرأً به اشیاء معینی دانسته و مخصوصاً هزینه ی دارو، عطر، سرمه و استحمام را استثناء کرده اند رجوع به عرف را برای تعیین محتوای نفقه مرجع دانسته است و معتقد است چون مبنای نفقه احتیاج زوجه است محصور دانستن نفقه ی زن به موارد خاص و استثناء کردن دارو و سایر اشیاء نظیر عطر و هزینه های حمام و جاهت شرعی و عقلی ندارد.

۲. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۳۲ به بعد

۳. شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۱، ص ۵۳۳ به بعد

ماده‌ی ۱۱۰۷ ق.م با توجه به ابهامات و اختلاف نظر ها در سال ۱۳۸۱ اصلاح شد و نفقه‌ی زوجیه را شامل کلیه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه و غذا و اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض دانسته است.

تفاوت ماده‌ی اصلاحی با ماده‌ی قبلی این است که از طرفی با استفاده از کلمات «از قبیل» به حصری بودن موارد اشاره شده در قانون تصریح شده است و از طرفی دیگر «هزینه‌های درمانی و بهداشتی» به نیازهای مذکور در ماده‌ی قبلی افزوده شده است»

با توجه به ماده‌ی ۱۱۰۷ قدیم و ماده‌ی اصلاحی جدید ملاحظه می‌شود که معیار استحقاق زوجیه در زمینه‌ی نفقه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن است و وضعیت شوهر در این معیار ظاهراً نقشی ندارد.

بنابراین اگرزنی از خانواده‌ی متمکنی باشد شوهر مکلف است نفقه‌ی زوجیه خود را با توجه به شأن و وضع اجتماعی و خانوادگی وی تامین کند که تقریباً در این زمینه از قول مشهور فقهای امامیه اقتباس شده است. ولی عده‌ای از فقهای امامیه از جمله شیخ طوسی و بعضی از فقهای اهل تسنن از جمله پیروان مذهب شافعی و حنبلی بر این عقیده بوده اند که حال و وضعیت شوهر ملاک و معیار برای تعیین میزان نفقه زوجیه است.<sup>۱</sup>

طبق ماده‌ی ۱۶ قانون احوال شخصیه‌ی مصر مصوب ۱۹۲۹ ق.م نفقه‌ی زوجیه بر حسب توانایی شوهر از لحاظ فقر و ملائت تعیین می‌گردد و وضعیت یا شأن زوجیه تأثیری ندارد.<sup>۲</sup>

از دیدگاه فرق اهل سنت وقتی زنی با مرد فقیر ازدواج کند راضی است که همسر وی در حد توانایی خود اسباب زندگی و نفقه وی را فراهم نماید و به آیه‌ی (فلینفق ذوسعه من سعه و قاعده عقلی و شرعی عدم تکلیف ما لا یطاق) می‌توان استناد کرد که با قول مشهور فقهای امامیه مغایرت دارد.

۱. مغنیه، محمد جواد، کتاب الزواج و الطلاق، بی تا - بی جا، ص ۱۲۳

۲. احمد ابراهیم، کتاب نظام النفقات ص ۱۶

ممکن است در زمینه ی نفقه و مصادیق آن عنوان کرد که آیا جواهرات و زینت آلات که معمولاً زنان از آنها استفاده می کنند یا لوازم آرایش می تواند از مصادیق نفقه باشد؟ به عبارت دیگر آیا زنی می تواند به علت عدم تهیه جواهر و زیور آلات و لوازم آرایش از طرف شوهر علیه شوهر خود اقامه دعوی کند و یا به عنوان ترک انفاق از شوهر خود شکایت کند و به علت عجز شوهر از تهیه جواهرات و لوازم آرایش ازدادگاه تقاضای صدور حکم طلاق نماید.

اگر در عرف لوازم آرایش و جواهرات از جمله نیازهای متعارف زن باشد تردیدی نیست که لوازم آرایش و جواهرات متناسب با وضعیت زن از مصادیق نفقه وی محسوب می شود و شوهر تکلیف فراهم کردن آنها را دارد و اگر عرف چنین اقتضا نکند نمی توان شوهر را مکلف به تهیه آنها کرد. به نظر می رسد که با این که در عرف لوازم آرایش جزء نیازهای زن است و صاحب جواهر نیز آن را از مصادیق نفقه دانسته است. مع ذلک کمتر این موضوع در دادگاه خانواده عنوان و مطرح می شود و اصولاً نیازهای حیاتی زوجه مطرح و موضوع حکم قرار می گیرد و جواهرات حتی لوازم آرایش نیز در عرف کمتر مورد توجه است البته با توجه به نیازهای امروز مصادیق نفقه توسعه یافته و لوازمی همچون یخچال، بخاری، کولر، تلویزیون، ماشین لباسشویی و امثال آنها به نظر می رسد که از مصادیق و موارد نیاز متعارف امروزی باشد.

#### بند پنجم - ویژگی های نفقه ی زوجه:

- نفقه ی زوجه ی دائمی در مقایسه با نفقه ی اقارب و خویشاوندان نسبی واجب النفقه مذکور در مواد ۱۱۹۶ به بعد قانون مدنی دارای ویژگی زیر است:
۱. تقدم نفقه ی زوجه ی دائمی بر نفقه ی اقارب: به این ترتیب که اگر کسی توانایی مالی کافی نداشته باشد که هم به زوجه ی دائمی و هم به اقارب نسبی واجب النفقه خود نفقه بدهد در این صورت تکلیف شوهر این است که به زوجه ی خود نفقه بدهد و با این ترتیب زن در برابر خویشاوندان مقدم خواهد بود. (ماده ی ۱۲۰۳ ق.م)
  ۲. قابل مطالبه بودن نفقه گذشته زوجه دائمی: طبق ماده ی ۱۲۰۶ قانون مدنی زن

تحلیل حقوقی نفقه زوجهی دایم موضوع ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی ..... ۱۴۷

می تواند نفقه ی گذشته ی خود را به عنوان دین از شوهر خود مطالبه کند. در واقع نفقه ی گذشته ی زوجه به عنوان طلب و در ذمه ی شوهر قرار دارد و هر زمان که زن مطالبه کند یا علیه شوهر اقامه ی دعوی نماید حق وی باقی است و حکم الزام شوهر به پرداخت آن صادر خواهد شد. ولی اقارب فقط نسبت به آتیه ی حق مطالبه نفقه خواهند داشت و نسبت به گذشته، حق مطالبه و اقامه ی دعوی ندارند. به عبارت دیگر نفقه - ی اقارب با گذشت زمان ساقط می شود هر چند این حکم قانونی منصفانه و منطقی نمی باشد.

۳. طلب زن بابت نفقه طلب ممتاز است. لذا در صورت ورشکسته شدن شوهر یا فوت وی و عدم کفایت اموال او برای پرداخت دیون، طلب زوجه بر سایر بدهی ها مقدم خواهد بود اما نفقه ی اقارب واجب النفقه به استثنای نفقه ی اولاد که طبق تبصره ی ۲ ماده ی ۱۲ قانون حمایت خانواده بر سایر دیون مقدم است جزء طلب ممتاز محسوب نمی شود.

۴. نفقه ی زوجه ی دائمی تکلیف یک جانبه است یعنی در حقوق ایران هیچگاه زوجه تکلیف ندارد که به شوهر خود نفقه پرداخت کند و حال آن که نفقه اقارب تکلیف متقابل است.

۵. نفقه ی زوجه ی مشروطه به تمکن شوهر و فقر زن نیست. بنابراین زوجه ثروتمند حق مطالبه ی نفقه از شوهر را دارد و در صورت امتناع شوهر از دادن نفقه به زوجه و عدم امکان الزام وی و حتی در صورت عجز شوهر از دادن نفقه، قانون به زن حق می دهد که از دادگاه درخواست طلاق کند. (ماده ی ۱۱۲۹ ق.م. و بند ۲ ماده ی ۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳) ولی نفقه ی اقارب مشروط به تمکن منفق و عدم تمکن و نیاز منفق علیه است. (مواد ۱۱۹۷ و ۱۱۹۸ ق.م.)

البته طبق ماده ی ۵۸ قانون تصفیه ی امور ورشکستگان مصوب ۱۳۱۸ نفقه ی گذشته ی زوجه ی تاجر ورشکسته در طبقه ی چهارم، پنج طبقه، از بستانکاران عادی وی قرار گرفته است و هم چنین طبق ماده ی ۲۲۶ قانون امور حسبی مصوبه ی ۱۳۱۹

تحلیل حقوقی نفقه زوجهی دایم موضوع ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی ..... ۱۴۸

نفقه‌ی زوجه‌ای که شوهر وی فوت شده باشد در طبقه‌ی چهارم از بستانکاران قرار دارد. ولی طبق تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۲ قانون حمایت خانواده، مصوب ۱۳۵۳ نفقه‌ی زوجه‌ی دائمی و اولاد بر سایر دیون مقدم شناخته شده است.

حال باید به راه حل تعارض بین مواد مذکور پرداخت و ببینیم که چگونه می‌توان

تعارض آنها را رفع کرد؟

ممکن است گفته شود در تعارض بین عام و خاص حکم عام ناسخ حکم خاص نیست بنابراین در مورد نفقه‌ی زوجه‌ی تاجر ورشکسته و زوجه‌ی ای که شوهر وی فوت شده و ترکه‌ی وی مستغرق در دیون است نفقه‌ی زوجه‌ی در طبقه‌ی مقدم طلب کاران قرار دارد ولی قبول این راه حل چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. زیرا حکم عام تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۲ قانون موخر حمایت از خانواده به منظور حمایت از خانواده و حمایت از زوجه وضع شده و مرتبط با نظم عمومی است یعنی با وجود این قرینه باید معتقد شد که این حکم عام ناسخ احکام خاص مربوط به تاجر ورشکسته و متوفای بدهکار فاقد ترکه مکفی خواهد بود والا حمایت از حقوق زن در قانون اخیر الذکر «تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۲» مفهوم خود را از دست می‌دهد.

بنابراین نفقه‌ی زوجه بر تمامی دیون به استثنای دیون دارای وثیقه مقدم خواهد بود. البته تقدم وثیقه بر آن نیز بدین جهت است که حق ثالث بر مال مورد وثیقه تعلق دارد و با توجه به اینکه حکم قانونی تقدم با حق ثابت تعارض داشته، سابقه‌ی حق ثالث مقدم بر آن حکم است.

در تعارض نفقه‌ی زوجه‌ی دائمی با ماده‌ی ۱۶۰ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و ماده‌ی ۴۹ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ برای حمایت از خانواده و حمایت از زن می‌توان گفت تقدم نفقه‌ی زوجه حکم خاص است و قوانین مالیات‌های مستقیم و تأمین اجتماعی عام هستند و در این مقام با توجه به قرینه‌ی صارفه‌ی عام ناسخ خاص نیست و رای وحدت رویه شماره‌ی ۲۱۲ مورخ ۱۳۵۰ دیوان عالی کشور نیز مؤید این نظر است.



### بند ششم - نفقه‌ی زوجیه پس از انحلال نکاح:

نکاح ممکن است در اثر فسخ یا طلاق یا فوت شوهر یا العان و کفر منحل گردد که می‌توان از جهت تعلق نفقه به طلاق رجعی و آبستن بودن زوجیه تقسیم کرد.

۱- نفقه‌ی مطلقه‌ی رجعی در مدت عده - طبق بند یک ماده‌ی ۱۱۰۹ ق.م. نفقه‌ی مطلقه‌ی رجعی در زمان عده بر عهده شوهر است مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد.

دلیل این قاعده در مورد مطلقه‌ی رجعی این است که پس از طلاق رجعی رابطه زوجیت کاملاً قطع نخواهد شد و در ایام عده که سه طهر است، اگر زن با اقتضاء سن عادت نبیند سه ماه است استحقاق نفقه دارد.

یعنی در عده بعضی از آثار نکاح از جمله حق نفقه باقی می‌ماند و زن در حکم زوجیه محسوب می‌شود و اگر مطلقه‌ی رجعی حامل باشد تا زمان وضع حمل با وجود مدت انقضای عده استحقاق دریافت نفقه دارد «مستنبط از قسمت اخیر ماده ۱۱۰۹ ق.م.»

### ۲- نفقه‌ی زن آبستن در عده‌ی فسخ نکاح یا طلاق باین:

طبق بند دوم ماده‌ی ۱۱۰۹ ق.م. در فسخ نکاح یا طلاق باین اگر زن آبستن نباشد در مدت عده‌ی نفقه‌ی ای به وی تعلق نمی‌گیرد. ولی اگر زن حامل از شوهر خود باشد تا زمان وضع حمل استحقاق دریافت نفقه خواهد داشت که ممکن است زمان وضع حمل کمتر یا بیشتر از مدت عده باشد. در این حالت با این که رابطه‌ی زوجیت کاملاً مقطوع است زن حامل مستحق نفقه خواهد بود. در توجیه این حکم نظرات مختلفی ابراز شده است. عده‌ای معتقدند نفقه‌ی ای که شوهر در زمان حاملگی به زن پرداخت می‌کند برای تامین معیشت زن و جبران زحمتی است که زن در این دوران متحمل می‌شود و این نفقه همان نفقه‌ی زوجیه دائمی است و همان ویژگی را دارد.

گروه دیگر بر این عقیده اند نفقه‌ی ای که به زن تعلق می‌گیرد دستمزدی است که به زن حامله داده می‌شود و یا انفاق به کودک تلقی می‌شود. عده‌ای دیگر معتقدند که قانون‌گذار برای رعایت حال بچه، زن را مستحق نفقه شناخته است هر چند که رابطه‌ی

نکاح کاملاً منحل شده است.

۳- نفقه‌ی زن آبستن در عده‌ی وفات:

ماده‌ی ۱۱۱۰ قانون مدنی می‌گوید: در عده‌ی وفات زن حق نفقه ندارد با توجه به اطلاق این ماده لازم است بررسی شود آیا زن حامله نیز در عده‌ی وفات حق مطالبه نفقه‌ی مدت آبستنی را ندارد یا این که حکم ماده‌ی ۱۱۱۰ مذکور حکمی است مطلق و شامل زن آبستن نیست و مساله‌ی مطروحه ناظر به زن آبستن در عده‌ی وفات است که خارج از اطلاق است و چون در تنافی بین اطلاق و تقیید طبق قواعد و اصول فقهی قلمرو اطلاق محدود می‌گردد لذا ماده مذکور منحصراً ناظر به نفقه‌ی زن در عده‌ی وفات است و حکم زن آبستن - که وضع استثنایی دارد - نمی‌گردد و اگر گفته شود با توجه به قول مشهور فقهای امامیه که ظاهراً مبنای ماده‌ی مزبور است زن آبستن در عده‌ی وفات استحقاق دریافت نفقه نخواهد داشت نظری دور از انصاف است و حال آن که مسبب حاملگی و ولی حمل شوهر بوده و از باب تسبیب باید از ماترک شوهر نفقه‌ی ایام حاملگی باید پرداخت شود و از این نظر تفاوتی بین زن آبستن در عده‌ی فسخ نکاح یا طلاق باین و زن آبستن در عده‌ی وفات وجود ندارد. و وضع هر دو زن از هر جهت یکسان است و در واقع تفاوتی در علت حکم نمی‌توان یافت. ممکن است عنوان شود زن آبستنی که در عده‌ی وفات است از شوهر خود ارث می‌برد و از سهم الارث خود می‌تواند مخارج خود و هزینه‌ی حمل را تامین کند اما در پاسخ می‌توان گفت: ممکن است چیزی زاید بر دیون متوفی یعنی شوهر وی باقی نماند. یا این که آنچه از ترکه متوفی پس از کسر دیون و وصایا به زن می‌رسد بسیار ناچیز باشد و کفاف مخارج او را ندهد.

از این رو با توجه به عدالت قضایی و انصاف و ملاک ماده‌ی ۱۱۰۹ ق.م، بعضی از اساتید حقوق بر این عقیده اند که ماده‌ی ۱۱۱۰ ناظر به زن غیر آبستن است و زن آبستنی که در عده‌ی وفات است تا وضع حمل استحقاق نفقه از ترکه‌ی شوهر را دارد. بحث‌ها و مناقشات و نظرات ابرازی از طرف حقوقدانان انگیزه‌ای شد که در ماده‌ی ۱۱۱۰ ق.م

تجدید نظر گردد، لذا ماده ی مزبور در سال ۱۳۸۱ به این شرح اصلاح شد:  
(در ایام عده ی وفات مخارج زندگی زوجه عندالمطالبه از اموال اقاربی که پرداخت نفقه به عهده آنان است، در صورت عدم پرداخت تامین می گردد) ظاهراً هدف اولیه قانون گذار بر آن بوده است که برای زن آبستن در عده ی وفات حق نفقه از ترکه شوهر قائل شود، ولی به علت ایراد شورای نگهبان ماده به شکلی که عنوان شد اصلاح گردید که متأسفانه متضمن حکم جدیدی نیست و از آن چنین برمی آید که نفقه ی زن حامل در عده ی وفات تابع قواعد عمومی نفقه ی اقارب است یعنی زن فقط می تواند از خویشانی که تکلیف اتفاق دارند، مطالبه نفقه کند که این قاعده قبلاً هم وجود داشته است.

#### بند هفتم: ضمانت اجرای نفقه ی زن:

نفقه ی زن دارای دو نوع ضمانت اجرا است که به آنها می پردازیم:

#### الف - ضمانت اجرای مدنی:

ضمانت اجرای مدنی نفقه ی زن در مواد ۱۱۱۱ و ۱۱۱۲ و ۱۱۲۹ و سایر موارد قانون مدنی پیش بینی شده است.

در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه ی زن می تواند به دادگاه رجوع کند، در این صورت دادگاه میزان نفقه را معین و شوهر را به پرداخت آن محکوم خواهد کرد و اگر اجرای حکم دادگاه مبنی بر پرداخت نفقه به هر علت ممکن نباشد اعم از این که شوهر اموال خود را مخفی کند یا این که عاجز از دادن نفقه باشد، زن حق دارد به دادگاه خانواده مراجعه و خواهان جدایی از شوهر و صدور حکم طلاق گردد.

دادگاه هنگامی شوهر را محکوم به پرداخت نفقه خواهد کرد که رابطه ی زوجیت محرز باشد و شوهر نتواند امتناع زن را ازادای وظایف زناشویی را ثابت کند «ماده ۱۱۰۸ ق.م.»

طبق ماده ی ۱۲۰۵ جدید قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ در مورد غیبت یا استنکاف شوهر از پرداخت نفقه چنانچه الزام وی ممکن نباشد دادگاه می تواند با مطالبه زن به مقدار نفقه از اموال غایب یا مستکف در اختیار زن یا متکفل مخارج وی

اگر زن محجور باشد قرار دهد و در صورتی که اموال غایب یا مستنکف در اختیار نباشد همسر وی یا دیگری با اجازه دادگاه می تواند نفقه را به عنوان قرض بپردازد و از شخص غایب یا مستنکف مطالبه کند.

در واقع طبق حکم فوق، چنانچه اموال غایب یا مستنکف در دسترس نباشد، دادگاه می تواند به افراد واجب النفقه اجازه دهد تا به حساب منفق استقراض کنند که در این صورت ممکن است قرض دهنده خود زوج برای نفقه ی خود یا سایر افراد واجب النفقه با اجازه دادگاه باشد یا این که اقارب و حتی افراد بیگانه نیز می توانند اقدام به قرض دادن کنند، که در این صورت به موجب قانون رابطه حقوقی بین قرض دهنده و مستنکف از پرداخت نفقه به وجود خواهد آمد و مقرض حق دارد آنچه را که به عنوان قرض به افراد واجب النفقه با اجازه دادگاه پرداخته است از متعهد به انفاق مطالبه کند.

در واقع حاکم یعنی قاضی به ولایت و نمایندگی از غایب یا مستنکف اجازه استقراض دارد، که با قول مشهور فقهای امامیه انطباق دارد البته اگر شخصی مستحق نفقه بدون اجازه دادگاه واجب النفقه بخواهد از اموال مکلف به قدر نفقه برداشت کند یا قرض بگیرد ممکن است باعث سوء استفاده شود، لذا قانون گذار ایران دخالت دادگاه را ضروری دانسته است.

البته پیش تر گفته ایم زوج دایمی اگر ناشزه باشد یعنی وظایف زوجیت را انجام ندهد حق مطالبه ی نفقه را ندارد چنانچه ماده ی ۱۱۰۸ قانون مدنی مقرر می دارد:

(هرگاه زن بدون مانع مشروع ازادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود) و فقهای امامیه نفقه رافع بر تمکین می دانند

حال این سوال مطرح می شود که آیا زن برای مطالبه ی نفقه از طریق دادگاه باید علاوه بر اثبات زوجیت انجام وظایف زوجیت و تمکین یا عدم نشوز را نیز ثابت نماید، یا ارائه مدارک زوجیت دایمی از جانب زوج به دادگاه کافی است و لازم نیست که عدم نشوز یعنی تمکین را اثبات کند و شوهر در صورت ادعای ناشزه بودن زن باید با ارائه دلیل این ادعا را ثابت کند. در این زمینه نظرات مختلفی از طرف فقهای امامیه ابراز

شده است.

عده ای معتقدند که اثبات تمکین بر عهده ی زوجه است و الا دعوی وی رد خواهد شد، عده ای دیگر بر این عقیده اند که نفقه ی زن با وقوع عقد ازدواج واجب می شود و ادله وجوب نفقه ی زوجه ی دائمه مطلق است و قیدی در این ادله وجود ندارد. البته نشوز یا عدم تمکین مانع وجوب انفاق است و تا زمانی که وجود مانع ثابت نشده باشد وجوب نفقه استمرار پیدا می کند به عبارت دیگر وجود عقد مثبت نفقه و نشوز مسقط آن است و مدعی نشوز باید دلیل اقامه کند.

این نظر کاملاً منطقی است به طوری که در رای شماره ی ۲۶۱۴ مورخ سال ۱۳۱۶ یکی از شعب دیوان عالی کشور نیز این استنباط و نظر را به روشنی می بینیم. (اثبات زوجیت برای مطالبه نفقه کافی است مگر جهات دیگری موجب عدم استحقاق زوجه باشد.....)

احکام دعاوی نفقه با توجه به اینکه دعوی مطالبه نفقه از جمله دعاوی مالی است تا سه میلیون ریال قطعی و مازاد بر آن قابل تجدید نظر است.

برای اجرای حکم محکومیت پرداخت نفقه از اموال محکوم علیه برداشت خواهد شد حال اگر زوج کارمند باشد از حقوق وی طبق ماده ۹۶ قانون اجرای احکام اقدام خواهد شد و اگر محکوم علیه دارای فرزند باشد ربع حقوق وی والا ثلث حقوق وی قابل توقیف است (نظریه شماره ی ۳۲۹۵/۷ - ۷۶/۷/۵ اداره کل حقوقی قوه قضاییه)

در مطالبه ی نفقه زوجه می تواند از دادگاه قبل از رسیدگی ماهیتی در خواست صدور دستور موقت نماید و دادگاه می تواند دستور موقت بر پرداخت مبلغ معینی نفقه به طور ماهیانه تا رسیدگی و صدور حکم قطعی بر پرداخت صادر کند، البته بدیهی است دستور موقت رای ماهیتی نیست و ممکن است دادگاه پس از رسیدگی نفقه ای را موضوع حکم قرار دهد که با میزان مندرج در دستور موقت هماهنگی نداشته باشد و یا دعوی زوجه را رد کند (نظریه شماره ی ۷/۶۱۸۸ مورخ ۸۶/۹/۱۹ اداره کل حقوقی قوه قضاییه)

دادگاه در تعیین میزان نفقه ی زوجه می تواند با جلب نظر کارشناس راساً اقدام

نماید. (نظریه شماره ۷/۴۷۷۸ مورخ ۸۶/۷/۲۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه)

## ۲- ضمانت اجرای کیفری:

ترک انفاق و استنکاف زوج از پرداخت نفقه‌ی زوجه علاوه بر ضمانت اجرای مدنی یا حقوقی که شرح آن گذشت، ترک انفاق دارای ضمانت اجرای کیفری نیز هست. به موجب ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ برای ترک انفاق مجازات حبس از سه ماه و یک روز تا پنج ماه مقرر گردیده است.

ماده ۷۲۷ همین قانون نیز مقرر می‌دارد:

(جرائم مندرج در ماده ۶۴۲ جز با شکایت شاکی خصوصی تعقیب نمی‌شود و در صورتی که شاکی خصوصی گذشت نماید، دادگاه می‌تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد، یا با رعایت موازین شرعی از تعقیب مجرم صرف نظر نماید.)

ماده ۱۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ می‌گوید:

(چنانچه دادگاه در جریان رسیدگی به پرونده تشخیص دهد که به لحاظ گذشت شاکی خصوصی در مواردی که دعوی قابل گذشت می‌باشد یا به جهت دیگر متهم قابل تعقیب نیست یا دادگاه صالح به رسیدگی نمی‌باشد یا ایراد رد دادرسی شده است، حسب مورد رای به موقوفی تعقیب یا عدم صلاحیت یا رد یا قبول ایراد صادر می‌نماید.)

با توجه به ماده ۱۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری با توجه به تاریخ تصویب این قانون نظر به این که حکم مندرج در ماده اخیر خفیف تر از حکم مندرج در ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی یا قانون تعزیرات است لذا آن قسمت از این ماده که با گذشت شاکی خصوصی دادگاه می‌تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد، منسوخ است و نمی‌توان به اصول عام و خاص متوسل شد و گفت حکم ماده ۱۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری که حکمی عام است ناسخ حکم خاص ماده ۶۴۲ قانون تعزیرات و مجازات های بازدارنده نیست، بعلاوه نظریه عام و خاص و اعتبار داشتن حکم خاص ماده اشاره شده به مصلحت خانواده نیست و جنبه حمایتی ندارد، زیرا با گذشت زوجه اگر هم چنان شوهر محکومیت پیدا کند رابطه زوجیت لطمه خواهد دید و به زیان شدید

مبانی خانواده خواهد بود و خصوصاً آن که به اصل برائت نزدیک تر است. مساله قابل بحث این است که آیا شخصی که نفقه ی گذشته ی زن خود را نمی دهد طبق ماده ی ۶۴۲ قابل تعقیب است یا خیر؟

به نظر عده ای از حقوقدانان استنکاف شوهر از دادن نفقه ی گذشته مجوز مجازات کیفری نیست، زیرا اولاً ظاهر ماده حاکی از این است که قانون گذار برای خودداری از نفقه ی آینده زن مجازات کیفری معین کرده است و خودداری از پرداختن نفقه ی گذشته که دینی برعهده ی شوهر است و شاید اطلاق کلمه نفقه بر آن اطلاقی مجازی باشد نه حقیقتی، لذا فقط دارای ضمانت اجرای مدنی است.

ثانیاً در امور کیفری در صورت وجود شک باید آن را به نفع متهم تفسیر نمود و مواد کیفری را نباید به زیان او تفسیر موسع کرد بنابراین ماده ی ۶۴۲ مجازات اسلامی را نباید به موردی که مرد از پرداخت نفقه ی گذشته ی زن خودداری می کند گسترش داد.

ثالثاً - تعیین مجازات کیفری برای عدم پرداخت دین مدنی بر خلاف اصل است و از این لحاظ هم نباید قلمرو ماده ی ۶۴۲ را گسترش داد.

رابعاً - اگر شوهر مخارج ضروری زن را در آینده تامین کند، مصلحت خانواده اقتضا می کند که زن نتواند برای طلب خودبابت نفقه ی گذشته رئیس خانواده را تعقیب کیفری کند.

مساله دیگری که در این زمینه قابل طرح است آن است، که اگر زوجه به سن بلوغ رسیده ولی رشدش احراز نشده باشد آیا می تواند شوهر خود را به جرم ترک نفاق شخصاً و بدون دخالت ولی یا قیم تعقیب کند. بعضی گفته اند چون مطالبه ی نفقه از طریق قضایی و تعقیب شوهر به جرم ترک انفاق یک عمل حقوقی مالی و یک نوع تصرف در امور مالی است که به اهلیت نیاز دارد، بنابراین زنی که به مرحله رشد نرسیده باشد و محجور است نمی تواند شخصاً در این مورد اقدام کند بلکه احتیاج به اجازه ولی یا قیم دارد.

البته ولی یا قیم نیز می تواند به تنهایی به نمایندگی از محجور اقدامات لازم به عمل

آورد. به طوری که این استنباط را در رای صادر شده از شعبه ی پنجم دیوان عالی کشور به شماره ی ۳۰۳ مورخ ۸۱/۲/۲۷ نیز ملاحظه می نماییم. ولی به نظر می رسد اعلام جرم ترک انفاق از سوی زوجة تصرف مالی به شمار نمی آید و نیاز به رشد ندارد. زیرا طرح دعوی جهت تعقیب جزایی و مجازات متهم است نه مطالبه نفقه که امر مدنی بوده و مستلزم دادخواست می باشد.

بنابراین زوجة می تواند بدون موافقت ولی یا قیم شوهر را به جرم ترک انفاق مورد تعقیب قرار دهد<sup>۱</sup>.

مساله دیگر این است که آیا چنانچه زن از حق حبس مقرر در ماده ی ۱۰۸۵ قانون مدنی استفاده کرده و تمکین نکند، و شوهر از دادن نفقه امتناع کند، شوهر قابل تعقیب کیفری است؟ طبق رای وحدت رویه قضایی شماره ی ۶۳۳ مورخ ۱۳۷۸/۲/۱۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور شوهر قابل تعقیب کیفری نیست، چنانچه در بخشی از رای مزبور ملاحظه می نماییم.

مساله قابل طرح این است که اگر زن حامل از شوهر خود تمکین نکند آیا شوهر مکلف به پرداخت نفقه است یا خیر؟

در پاسخ می توان گفت طبق ماده ی ۱۱۰۸ ق.م.ا.گ.ر حمل باعث شود که تمکین خاص ممنوعیت پزشکی داشته باشد، نشوز زن مانع استحقاق زن از دریافت نفقه نیست و از طرفی دیگر طبق ماده ی ۱۱۰۹ ق.م.ا.گ.ر زن حامل باشد و نکاح وی فسخ شده یا زن حامل در عده ی طلاق باین باشد تا وضع حمل استحقاق نفقه دارد، می توان گفت که اگر زن حامل در زمان زوجیت از تمکین امتناع کند با توجه به وحدت ملاک این ماده مستحق نفقه است ولی نظر مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷/۲۰۵۶ مورخ ۷۰/۳/۲۹ که مربوط به قبل از اصلاح قانون مدنی بود این است که آن مقدار از نفقه که برای حفظ سلامت حمل ضرورت داشته باشد به تشخیص دادگاه قابل مطالبه است.

۱. صفایی، دکتر سید حسین، امامی، دکتر اسدالله، مختصر حقوق خانواده، نشر میزان، چاپ ۱۲، ش ۱۴۵، ص ۱۴۶



تحلیل حقوقی نفقه زوجی دایم موضوع ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی ..... ۱۵۷

مساله دیگر این است که اگر شوهر از اجرای دادنامه حقوقی مبنی بر پرداخت نفقه امتناع کند مشمول ماده ۲ قانون اجرای محکومیت مالی مصوب ۱۳۷۷ و تبصره ی ذیل آن است طبق نظریه شماره ی ۷/۳۸۴ مورخ ۷۸/۱/۲۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه شوهر مشمول حکم ماده ی ۲ قانون اجرای محکومیت مالی مصوب ۱۳۷۷ و تبصره ی ذیل آن خواهد بود.

#### **بند هشتم - پیشنهادات:**

با توجه به مجموعه مقررات موجود پیشنهاد می شود در صورت فوت شوهر، زوجه ی حامل تا وضع حمل حق اخذ نفقه از ما ترک متوفی را داشته باشد بنابر این ماده ی ۱۱۱۰ ق. م فعلی نیاز به اصلاح به نفع زوجه حامل که شوهر وی فوت شده است دارد تا استنباط از ظاهر ماده نیز به دست می آید.

## منابع

- ۱- احمد، ابراهيم، كتاب نظام النفقات بى تا، بى جا،
- ۲- امامى، دكتور سيد حسن، حقوق مدنى، چاپ اسلاميه، ج ۴،
- ۳- جعفرى لنگرودى، دكتور محمد جعفر، حقوق خانواده،
- ۴- شهيد ثانى، مسالك الافهام، ج ۱، سال ۱۲۹۹ ه.ق
- ۵- صفايى، دكتور سيد حسين؛ امامى، دكتور اسدالله، حقوق خانواده، ج ۱، چاپ دانشگاه تهران، چاپ دهم، سال ۱۳۸۵،
- ۶- صفايى، دكتور سيد حسين؛ امامى، دكتور اسدالله؛ حقوق خانواده، نشر ميزان، چاپ هجدهم، سال ۱۳۸۱
- ۷- صفايى، دكتور سيد حسين؛ امامى، دكتور اسدالله؛ حقوق خانواده، چاپ دهم، دانشگاه تهران، سال ۱۳۸۲
- ۸- صفايى، امامى، مختصر خانواده، چاپ دوازدهم، نشر ميزان، سال ۱۳۸۶
- ۹- کاتوزيان، دكتور ناصر، حقوق خانواده، نشر يلدا، سال ۱۳۷۵، ج ۱،
- ۱۰- کمانگر، احمد، اصول قضايى، سال ۱۳۴۳
- ۱۱- محقق داماد، دكتور سيد مصطفى، بررسى فقهى حقوق خانواده، نشر علوم اسلامى، سال ۱۳۴۵،
- ۱۲- مغنيه، محمد جواد، كتاب الزواج و الطلاق، بى تا، بى جا،
- ۱۳- نجفى، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۳۱، سال ۱۹۸۱ م.

